

برخی خانه و کاشانه خود را از دست می‌دهند، برخی دیگر زمین‌هایشان را و میلیون‌ها انسان گرسنه می‌مانند

نوشته: میشل مونت

آیا رابطه‌ای میان بحران مسکنی که در آمریکا حکم‌فرماست (ساب پرایم) و بحران مواد غذایی که ظاهراً «بر حسب اتفاق» یکی پس از دیگری رخ داده است، وجود دارد؟ از یک دیدگاه، بلی. گرچه «فرانس مور لاپه» اخیراً یادآوری می‌کرد که امکان تغذیه کامل برای تمام افراد بشر وجود دارد، ولی میلیون‌ها انسان دچار سوء تغذیه هستند زیرا نظام تولید و توزیع بد عمل می‌کند و بیش از پیش در معرض تصمیمات خودسرانه شرکت‌های فراملی قرار گرفته است، همانند آنچه بر سر وام گیرندگان جزء مسکن آمد...

به هنگام فروپاشی بازار مسکن در آمریکا، سرمایه‌گذاران بزرگ که در پی یافتن امکان دیگری جهت به‌دست آوردن سود بیشتر برای مشتریان خود بودند، توجه‌شان به‌سوی بهای مواد غذایی در بازارهای مدت‌دار جلب شد و برای ارزش آینده آن‌ها به سوداگری پرداختند. بانک «ک.ب.س.» در بلژیک حتی شعاری یافته است که نشان دهنده نداشتن کوچکترین حساسیت در برابر بینوایی و مصیبت در دنیا است: «از افزایش بهای مواد غذایی سود ببرید!» به عبارت دیگر می‌توان گفت بر روی گرسنگان دنیا شلیک کنید و سود خود را ببرید.

مهم نیست که انبارهای مواد غذایی دنیا تا چه حد پر یا خالی شده باشند، ولی این سوداگری در بازارهای مدت‌دار موجب افزایش مجموعه قیمت‌ها شد و این‌گونه، حبایی را به‌وجود آورد که درست است در نهایت خواهد ترکیب ولی مانع این امر نشد که میلیون‌ها انسان را مجبور کند تا برای تغذیه خود تقریباً یک شبه، میانگینی برابر با ۴۰ درصد بیشتر هزینه کنند.

گرچه به‌نظر می‌رسد از شدت بحران اندکی کاسته شده باشد ولی نیروهایی در صحنه حضور دارند که در این لحظه، دگرگونی ژرف اقتصاد کشورهایی را موجب شده‌اند که در آن‌ها صدها میلیون کشاورز خرد زندگی می‌کنند.

شرکت‌های بزرگ و حتی کشورها، زمین‌های کشورهای دیگر را می‌خرند. ژاپن گویا در این لحظه، مالک سه بار بیشتر زمین کشت‌پذیر در سرزمین‌های دیگر است تا در خود ژاپن. لیبی در اوکراین زمین‌های کشاورزی کرایه می‌کند.

امیرنشین‌های خلیج فارس در پاکستان زمین‌های بزرگ کشاورزی می‌خرند. در پی یک توافق‌نامه بین چین و فیلیپین، شرکت‌های چینی زمین‌های فیلیپین را برای کشت برنج و ذرت کرایه می‌کنند که محصولات آن‌ها منحصراً برای مصرف داخلی چین در نظر گرفته شده است. شرکت‌های چینی حتی زمین‌های کشاورزی را در آفریقا و در قاره‌های دیگر برای کشت خریداری می‌کنند...

بازار کشت برای سوخت خودروها نیز عنصر دیگری است که روند دست‌اندازی بر زمین‌ها و ایجاد کشتزارهای بزرگ را تشدید می‌کند؛ روندی که نتیجه آن اخراج کشاورزان بومی و پسررفت تولید مواد غذایی محلی است.

مطمناً این کشاورزان خرد بومی نیستند که از افزایش شدید بهای مواد غذایی بهره می‌برند. بازارهای شهری در کشورهای رشدیابنده از مواد ارزان قیمتی که از کشورهای دیگر می‌آیند، پر شده است. مواد مشابه بومی آن‌ها، تاب مقاومت در برابرشان ندارند و شرکت‌های فراملی این سودهای سرشار را به جیب خود می‌ریزند.

کشورهای ثروت‌مند، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی بازرگانی، یک‌صدا به کشورهای تنگ‌دست توصیه گشودن بازارهایشان را کردند. بهمنی از پیمان‌های دوجانبه برای مبادله آزاد و سرمایه‌گذاری، بر روی سر این کشورها فرود آمد. آنچه بر سر تولیدات کشاورزی بومی آمد را می‌توان به‌خوبی تصور کرد. به‌عنوان نمونه، کشاورزان تایلندی در حال حاضر سود کمتری از همان برنجی که مصرف‌کننده بهای آن‌را سه بار بیشتر می‌پردازد، دریافت می‌کنند. آیا می‌توان از این چیستان چیزی درک کرد؟

بر اساس محاسبات شرکت کارشناسی مواد اولیه «گرشهام اینوستمنت منجمنت»، حجم سرمایه‌گذاری سوداگرانه در بازارهای مدت‌دار تولیدات پایه‌ای، از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به ۱۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است.

افزایش شدید اخیر بهای مواد غذایی به نوبه خود، شمار انسان‌هایی را که دچار سوء تغذیه هستند به همان سطح پیش از تصویب «اهداف هزاره نو برای پیشرفت» توسط سازمان ملل رسانده است.

شگفتا! شتاب گردش پول بیشتر شده است. و شاید به همین علت است که کشاورزان دیگر نمی‌توانند رنگ آن‌را ببینند...!

منبع: تارنگاشت سو بلاگ